



Designing a microfinance model for the sustainability of entrepreneurial start-up businesses in Iran (case study: Saderat Bank of Iran)

Simin Heidari Gheshlaghi¹ | Reza Mohammadkazemi² | Hossein Sadeghi²

1. Department of Entrepreneurship Development, Islamic Azad University, Qazvin, Tehran, Iran.
E-mail: ssheidari1357@gmail.com
2. Corresponding Author, Department of Business Creation, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: r_mkazemi@ut.ac.ir
3. Department of Business Creation, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran.
E-mail: hosadeghi@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 2 May 2023

Received in revised form 2

July 2023

Accepted 13 August 2023

Published online 20 December

2023

Keywords:

Microfinance, Business

Sustainability,

Entrepreneurial Startups,

Banks.

ABSTRACT

Purpose: Entrepreneurial start-up businesses have a deep capacity to contribute to the economic growth and development of any country. These businesses can bring a lot of employment, which will bring the demand process and economic growth. On the other hand, financing is also important for these businesses because it determines the continuation of the business activity. Also, the existence of issues such as the reduction of the share in the global markets, high costs and high competition, following the traditional business model in financing and the strong presence of competitors in the international arena, cause start-up businesses to lag behind in development. All the mentioned items need to spend a lot of money. But a large number of start-up businesses are removed from the competition due to lack of timely and appropriate financing. Thus, in this research, the main goal is to design a microfinance model in the sustainability of entrepreneurial start-up businesses.

Research method: The current research is interpretive in terms of approach, in terms of practical purpose, in terms of nature, it is a survey, and using a qualitative method to collect and analyze the obtained data, and using the qualitative method of foundation data and semi-structured interview to Data collection and analysis were done. 18 interviews were conducted using theory-based sampling.

Method: The time domain of this research is between the years 1401-1402. In this research, the open, central and selective three-stage method was used to code the data. SPSS software and average and percentage statistical tests were used to analyze the information of the first part, that is, the part describing the characteristics of experts. In the qualitative part, the method of data analysis is data coding in three stages, using Atlas Ti software.

Findings: The class of results has been devoted to the design of a sustainable microfinance model for start-up entrepreneurial businesses, and this obtained model has six main codes: driving factors (including development factors, income generation factors, growth factors and institutional factors), The main category (microfinance in the sustainability of start-up entrepreneurial businesses), strategies (intra-organizational strategies with two categories of strategies for providing facilities and repayment strategies), contextual factors (including factors of the legal environment, economic environment and social environment), intervening factors (including external factors and internal organizational factors) and finally the consequences (including macro-consequences and micro-consequences).

Conclusion: Therefore, it can be stated that providing microfinance through financial institutions can lead to the growth and development of businesses. The obtained factors in the research model are causal factors in encouraging banks to provide microfinance facilities. In the business development sub-code, the two factors of business sustainability facilities and getting points to start-up businesses are the factors that start-up businesses are encouraged to use micro financing. Microfinance not only brings benefits to start-up businesses, yes, it will always include benefits for the bank that provides the credit. Therefore, more attention should be paid to this sector in policy making and budgeting.

Cite this article: Mohammadkazemi, R., Sadeghi, H., & Heidari Gheshlaghi, S. (Year). Designing a microfinance model for the sustainability of entrepreneurial start-up businesses in Iran (case study: Saderat Bank of Iran).

Journal of Entrepreneurship Development, 16(3), 86-97

DOI: <http://doi.org/10.22059/JED.2023.353785.654125>



طراحی مدل تأمین مالی خرد در پایداری کسب و کارهای نوپای کار آفرینانه در ایران (مورد مطالعه: بانک صادرات ایران)

سیمین حیدری قشلاقی^۱ | رضا محمد کاظمی^۲ | حسین صادقی^۳

۱. گروه توسعه کارآفرینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، قزوین، ایران. رایانامه: ssheidari1357@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، گروه کسب و کار جدید، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: r_mkazemi@ut.ac.ir

۳. گروه کسب و کار جدید، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: hosadeghi@ut.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

هدف: کسب و کارهای نوپای کارآفرینانه ظرفیتی عمیق برای کمک به رشد و توسعه اقتصادی هر کشوری دارند. این کسب و کارها می‌توانند اشتغال زایی زیادی را به نیز به همراه داشته باشند که منجر به روند تقاضا و رشد اقتصادی خواهد شد. از طرفی تأمین مالی نیز برای این کسب و کارها از آن جهت اهمیت دارد که ادامه فعالیت کسب و کار را رقم می‌زند. همچنین وجود مسائلی از قبیل کاهش میزان سهم در بازارهای جهانی، بالا بودن هزینه‌ها و وجود رقابت زیاد، پیروی از مدل کسب و کار سنتی در تأمین مالی و حضور پررنگ رقبا در عرصه‌های بین‌المللی، سبب عقب ماندن کسب و کارهای نوپا از توسعه می‌شوند. کلیه موارد ذکر شده نیازمند صرف هزینه‌های بالایی دارد. اما تعداد زیادی از کسب و کارهای نوپا به دلیل عدم تأمین مالی به موقع و مناسب از عرصه رقابت حذف می‌شوند. بدین ترتیب در این پژوهش هدف اصلی طراحی مدل تأمین مالی خرد در پایداری کسب و کارهای نوپای کارآفرینانه می‌باشد.

روش: پژوهش حاضر از لحاظ رویکرد، تفسیری، برحسب هدف کاربردی، از لحاظ ماهیت، پیمایشی می‌باشد و با استفاده از روشی کیفی به گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده پرداخته شد و با استفاده از روش کیفی داده بنیاد و مصاحبه نیم ساختاریافته به جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنان پرداخته شد. تعداد ۱۸ مصاحبه با استفاده از روش نمونه‌گیری نظریه محور انجام شد. قلمرو زمانی این پژوهش بین سال‌های ۱۴۰۱-۱۴۰۲ می‌باشد. در این پژوهش از روش سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی جهت کدبندی داده‌ها استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات بخش اول یعنی بخش توصیف ویژگی‌های خبرگان از نرم افزار SPSS و آزمون‌های آماری میانگین و درصد استفاده شده است. در بخش کیفی نیز روش تحلیل داده‌ها کدگذاری داده‌ها در سه مرحله، با استفاده از نرم افزار اطلس تی می‌باشد.

یافته‌ها: طبقه نتایج حاصله به طراحی مدل تأمین مالی خرد در پایدار یکسب و کارهای نوپای کارآفرینانه پرداخته شده است که این مدل به دست آمده دارای شش کد اصلی: عوامل پیشران (شامل، عوامل توسعه، عوامل تولید درآمد، عوامل رشد و عوامل نهادی)، مقوله اصلی (تأمین مالی خرد در پایداری کسب و کارهای نوپای کارآفرینانه)، راهبردها (راهبردهای درون‌سازمانی با دو دسته‌بندی راهبردهای ارائه تسهیلات و راهبردهای بازپرداخت)، عوامل زمینه‌ای (شامل عوامل محیط قانونی، محیط اقتصادی و محیط اجتماعی)، عوامل مداخله‌گر (شامل، عوامل برون‌سازمانی و عوامل درون‌سازمانی) و در نهایت پیامدها (شامل، پیامدهای کلان و پیامدهای خرد) می‌باشد.

نتیجه‌گیری: بنابراین می‌توان اظهار داشت که تأمین مالی خرد از طریق مؤسسات مالی می‌تواند رشد و توسعه کسب و کارها را به دنبال داشته باشد. عوامل به دست آمده در مدل پژوهش خود به طریقی عوامل علی در تشویق بانک‌ها به ارائه تسهیلات مالی خرد می‌باشند. در کد فرعی توسعه کسب و کارها دو عامل تسهیلات پایداری کسب و کارها و دریافت امتیاز به کسب و کارهای نوپا، عواملی هستند که کسب و کارهای نوپا تشویق به استفاده از تأمین مالی خرد می‌شوند. تأمین مالی خرد نه تنها مزایایی را برای کسب و کارهای نوپا به همراه می‌آورد، بلکه برای بانک تأمین کننده اعتبار نیز همواره منفی را دربر خواهد داشت. بنابراین در سیاست‌گذاری‌ها و بودجه‌ریزی‌ها باید به این بخش توجه بیشتری داشت.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۱۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۴/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹

کلیدواژه‌ها:

تأمین مالی خرد، پایداری کسب و کارها، کسب و کارهای نوپای کارآفرینانه، بانک‌ها.

استناد: محمد کاظمی، رضا، صادقی، حسین، و حیدری قشلاقی، سیمین (۱۴۰۲). طراحی مدل تأمین مالی خرد در پایداری کسب و کارهای نوپای کارآفرینانه در ایران (مورد مطالعه: بانک صادرات ایران). *توسعه کارآفرینی*، ۱۶ (۳)، ۸۶-۹۷. <http://doi.org/10.22059/JED.2023.353785.654125>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

مهم‌ترین عامل در اجرای راهبردهای توسعه پایدار و در نتیجه موفقیت اصلاحات اقتصادی کشور، توسعه بنگاه‌های کوچک و کارآفرینی خصوصی و تشکیل طبقه‌ای از مالکان واقعی بر این اساس است. کارآفرینی به‌عنوان یکی از اشکال عینی تجلی روابط اجتماعی، نه تنها زمینه مساعدی را برای اجرای عملی توانایی‌ها و استعداد‌های جوانان ایجاد می‌کند، بلکه باعث می‌شود تا آن را به‌عنوان منبعی برای توسعه جامعه در اجرای تحول اجتماعی-اقتصادی آن به کار گرفته شود (Sayfullaevich, 2016).

شرکت‌های کوچک و متوسط نقش بسیار مهمی در توسعه بسیاری از کشورهای آسیایی و در واقع غول‌های آسیایی داشته‌اند. رونق اقتصادی در برخی از این کشورهای آسیایی که بی‌ارتباط با شرکت‌های کوچک و متوسط نیست، صدها میلیون نفر را از فقر نجات داده و میلیون‌ها مصرف‌کننده جدید طبقه متوسط را به خود اختصاص داده است. طبق مطالعه‌ای در نیجریه بر روی کسب و کارهای متوسط مشخص شد که تأمین مالی یکی از عوامل افزایش رشد یا شکست آن‌ها می‌باشد (Gbandi & Amisshah, 2014).

اهمیت تأمین مالی برای شرکت‌های بزرگ‌تر وابسته به تصمیمات آنان برای توسعه است. اختلافات مالی در این شرکت‌ها با تدوین سیاست‌های مالی و سرمایه‌گذاری در راستای حداکثر سازی ارزش شرکت صورت می‌پذیرد (begenau & salomao, 2019). اما در مقایسه با کسب و کارهای بزرگ و سازمانی، کسب و کارهای متوسط و کوچک محدودیت دسترسی به تأمین مالی، محدودیت رشد و توسعه را برای آن‌ها به همراه خواهد داشت و عدم حمایت بخش‌های دولتی و بانک‌های سنتی شکست بیشتر آن‌ها را به همراه داشته است (Mohammadkazemi, et al., 2020). چراکه سیاست گذاری مالی منعکس کننده ادراک مدیران کسب و کارها از محیط و واکنش آن‌ها به شرایط محیطی است (Abdoli Mohamadabadi et al., 2021). از همین رو کسب و کارهای نوپا در سراسر دنیا در حال گسترش هستند (Eshghi, et al., 2013). اما با توجه به میزان نقشی که در اقتصاد دارند، از محدودیت‌های خدمات تأمین مالی رنج می‌برند (Lin et al., 2021). مانزور و همکاران (۲۰۲۱)، بیان کردند که کسب و کارهای کوچک و متوسط می‌توانند نقش مهمی در توسعه و به‌ویژه توسعه روستایی داشته باشند، اما در ابتدای فرآیند، تأمین مالی این کسب و کارها از اهمیت زیادی برخوردار است (Manzoor et al., 2021). از طرفی یکی از نیازهای کلیدی کسب و کارهای نوپا و نوآور منابع مالی است که این منابع یا درونی هستند یا منابع بیرونی. منابع درونی، همان منابع خود راه‌انداز یا منابعی است که خانواده و دوستان بنیان‌گذار تأمین می‌کنند، اما برای منابع بیرونی با ایجاد بسترهای لازم و امنیت سرمایه‌گذاری و همچنین ارائه مشوق‌ها و برنامه‌های مختلف انواع مختلفی از منابع مالی مانند سرمایه‌گذاری خطرپذیر، فرشتگان، تأمین مالی جمعی، منابع بدهی مانند وام‌های خرد و ارزشهای دیجیتال با کارکرد روش‌های نوین تأمین مالی در این منظومه یافت می‌شوند. همچنین سیاست‌گذاران با ارائه مشوق‌ها و مقررات تسهیل‌گر و الزام‌آور بودن قراردادهای سرمایه‌گذاری به جذب سرمایه‌گذارهای مختلف در کسب و کارهای نوپا و نوآور مؤثر خواهند بود (Mohammadkazemi et al., 2022).

از طرفی وجود مسائلی از قبیل کاهش میزان سهم در بازارهای جهانی، بالا بودن هزینه‌ها و وجود رقابت زیاد، پیروی از مدل کسب و کار سنتی در تأمین مالی و حضور پررنگ رقبا در عرصه‌های بین‌المللی، سبب عقب ماندن کسب و کارهای نوپا از توسعه می‌شوند (Abdoli Mohamadabadi et al., 2023). مؤسسات مالی سنتی نیز تمایل بیشتری به ارائه حمایت مالی از شرکت‌های بزرگ دارند، در حالی که کسب و کارهای نوپا در مراحل اولیه استقرار نیاز به توسعه همه منابع ندارند. اما مراجع سنتی تأمین مالی قوانینی متفاوت برای آن‌ها دارند (Wang, 2017). با اینحال تأمین کسب و کارها می‌تواند به شکل رسمی باشد. تأمین مالی تنها تأمین مالی رسمی با بدهی نیست، زیرا این نوع تأمین مالی تا حد زیادی برای این شرکت‌ها غیرقابل دسترسی است. بازارهای سهام مانند عرضه اولیه عمومی (IPO)، سرمایه خطرپذیر و سرمایه فرشتگان نیز گزینه‌هایی هستند که برای بسیاری از شرکت‌های کوچک، باز نیستند. به این ترتیب، زمانی که تصمیمات تأمین مالی خارجی کسب و کارهای کوچک مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، عموماً از طریق رشته‌ای از تحقیقات انجام می‌شود که بر رابطه بین تأمین مالی رسمی و غیررسمی متمرکز است، با تحقیقاتی که در مورد مبادلات مرتبط با آن منتشر شده است. تأمین مالی رسمی در مقابل غیررسمی مشاغل کوچک (Nguyen & Phuc Canh, 2021). برای رهایی از محدودیت‌های مالی کسب و کارهای کوچک و نوپا و ارتقای بیشتر نقش آن‌ها به‌عنوان موتور رشد اقتصادی دولت‌ها در سراسر جهان انواع سیاست‌های عمومی را وضع نمودند. این سیاست‌ها شامل، وام‌های یارانه‌ای،

خطوط اعتباری عمومی، تضمین‌های اعتباری مورد حمایت دولت، مقررات اولویت‌دار وام‌دهی، کمک‌های بلاعوض تخصصی، اعتبار مالی و مشوق‌های مالیاتی می‌باشند (Lin et al., 2021).

بانک‌ها به این دلیل که کسب‌وکار جدید و خرد، فاقد سوابق پیشین در صنعت بوده و یا دارایی چندانی ندارد که بتوان به‌عنوان وثیقه به کار گرفته شود، قادر به پرداخت منابع مالی برای کسب‌وکارهای کارآفرینانه خرد نمی‌گردند (Jamali, et al, 2018). این کاستی، باعث شده تا کارآفرینان، اغلب به منابع جایگزین مراجعه نموده و مطالعات نیز به همراه آن‌ها از زمینه رفع موانع موجود در ساختارهای تأمین مالی از طریق سیستم بانکی، به توسعه ادبیات پژوهش در زمینه سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌پذیر^۱ مهاجرت نمایند (Gholizadeh & Mohammadkazemi, 2022). وجود چنین شرایطی منجر به دورماندن سیستم بانکی از فعالیت‌های کارآفرینانه و عدم تخصیص بهینه منابع به کسب‌وکارهایی می‌گردد که می‌توانند به‌طور بالقوه، ارقام موفقیت و رشد بالایی را تجربه نمایند. بنابراین توسعه مدلی که بتوان بر اساس آن به شناخت و توسعه مدلی جهت تأمین مالی خرد از طریق سیستم بانکی پرداخت، ضرورت بالایی دارد. اگرچه ادبیات مدیریت در مورد اقتصاد خرد و کارآفرینی در حال رشد است، و تعداد کمی از مطالعات شروع به بررسی این موضوع کرده‌اند که آیا سرمایه مالی خرد در ایجاد و توسعه سرمایه‌گذاری‌های جدید نقش دارد یا خیر (Banerjee et al., 2015; Newman et al., 2014; Shahriar et al., 2016)، دانش در این زمینه هنوز محدود است. تحقیقات موجود، عمدتاً در زمینه اقتصاد، به‌جای بررسی تأثیرات آن بر نتایج مهم کارآفرینی مانند ایجاد و رشد سرمایه‌گذاری جدید، رشد، عملکرد و بقای آن، متمرکز بر این امر است که وام‌های خرد مالی بر نتایج گسترده توسعه از جمله کاهش فقر تأثیر می‌گذارد (Newman, 2017). بنابراین مرور مقدماتی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد در بین مطالعات انجام یافته در حوزه‌های کسب‌وکار و صنعت بانکداری، بررسی تأمین مالی خرد به‌ویژه برای کسب‌وکارهای نوپا یا کارآفرینانه به‌طور هم‌زمان صورت نگرفته است. بنابراین هدف از انجام این پژوهش طراحی مدل تأمین مالی خرد در پایداری کسب‌وکارهای نوپای کارآفرینانه در ایران می‌باشد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تأمین مالی خرد- گونه‌ای از خدمات مالی می‌باشد که بر توانمندسازی و آماده‌سازی افراد کم‌درآمد با منابع درآمدی محدود به جهت خوداشتغالی متمرکز می‌باشد. به‌طور معمول، وام ارائه شده به این افراد کوچک است اما به اندازه‌ای است تا آن‌ها را به سطح بالاتر درآمدی منتقل کند (Ben Abdelkader, 2019). سهم تأمین مالی خرد در فعالیت‌های کارآفرینی به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان موتور اصلی رشد اقتصادی شناخته می‌شود (Sussan & Obamuyi, 2018). از طرفی موضوع تقویت رقابت‌پذیری از طریق نوآوری نه‌تنها برای کسب‌وکارها و هم برای کل اقتصادها در سطح ملی و جهانی آشکار می‌شود، بلکه ضروری است (Angelova, et al., 2018). چراکه رشد شرکت‌های کوچک و متوسط باعث کاهش فقر می‌شود و فقر رشد وام‌های خرد را در کشور افزایش می‌دهد. افزایش کسب‌وکارهای نوپا ابزاری برای کاهش فقر است و رشد نادرست مؤسسات مالی خرد نیز ناشی از فقر است. این نشان می‌دهد که ادامه تأمین مالی خرد نادرست می‌تواند سطوح فقر را به ارتفاعات نامطلوب برساند (Chikwira et al., 2022).

پایداری کسب‌وکارها- نتایج تحقیقات مختلف نشان داده است که مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر مثبتی بر عملکرد پایدار شرکت‌ها دارد (Abbas et al., 2019). محققان دریافته‌اند که نشانه‌های متعددی وجود دارد که توجه به مسئولیت اجتماعی و محیط منجر به وفاداری مشتری و افزایش شهرت شرکت می‌شود (Famiyeh, 2017) برانکو و رودریگز (۲۰۰۶) بیان کردند که مسئولیت اجتماعی شرکتی نشان‌دهنده تعهد سازمان‌ها و شرکت‌های تجاری در کمک به رشد اقتصادی و رفاه کارکنان، مدیران کسب‌وکار و خانواده‌های آن‌ها و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند (Abbas et al., 2019). امیری سردری و همکاران (۱۳۹۸)، نیز به مفهوم محیط یا شواهد فیزیکی، برای توجه به فاکتورهای محیط زیستی اشاره کردند (Amiri sardari, 2020). کسب‌وکارهای نوپای کارآفرینانه- در اقتصاد نوین، رویکرد جدیدی بنام کسب‌وکارهای نوپا مورد توجه قرار گرفته‌اند. هدف این شرکت‌ها، توجه به دستاوردهای پژوهشی با نگاه دانشی و فناورانه از فرایند تولید تا بازار، پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و

¹ Venture Capital

واگذاری فناوری به صاحبان ایده در محیط‌های اجتماعی-اقتصادی است. بر اساس تعاریف، کسب و کار نوپا (استارت‌آپ) یک سازمان موقت است که باهدف ایجاد یک مدل کسب و کار تکرارپذیر و مقیاس‌پذیر به وجود آمده است (Skala & Skala, 2019). کسب و کارهای نوپا، حول ایده‌های نوآورانه و خلاقانه بنا می‌شوند. در واقع، افرادی خوش فکر با ایده‌های نو در جستجوی روش‌هایی برای کسب درآمد از آن ایده و تولید انبوه محصولات یا خدمات مبتنی بر آن ایده هستند (Weber et al., 2022). شرکت‌های نوپا معمولاً مبتنی بر ایده‌های ریسک‌پذیرند که مدل کسب و کارشان مشخص نیست و بازار هدفشان در حد فرض است؛ بنابراین، آن‌ها هزینه راه‌اندازی کمتر، ریسک زیاد و توان بالقوه بالا برای برگرداندن سرمایه دارند (Skala & Skala, 2019). یک کسب و کار نوپای موفق، قابلیت رشد بیشتری نسبت به یک شرکت بالغ دارد، یعنی می‌تواند با سرمایه‌ای کمتر، نیروی کار یا زمینه رشد بیشتری نسبت به شرکت‌های قدیمی داشته باشد (Blank, ۲۰۱۳).

چیکویرا و همکاران (۲۰۲۲)، در بررسی تأثیر مؤسسات تأمین مالی خرد بر کاهش فقر دریافتند که رشد وام‌های مالی خرد در جهت استفاده مطلوب و کارآمد مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که فقط تأمین بودجه اهمیت ندارد. انجین و کانه (۲۰۲۱)، در پژوهشی تحت عنوان تصمیمات رسمی و غیررسمی تأمین مالی کسب و کارهای کوچک، چارچوب نظری را پیشنهاد دادند که در آن عوامل تعیین‌کننده تأمین مالی از سه بعد ناشی می‌شوند: عوامل فردی کارآفرینان، عوامل سازمانی (در سطح شرکت)، عوامل زمینه‌ای و عوامل (نهادی). آنان از این مدل برای متمایز کردن چهار نوع شرکت استفاده نمودند: (۱) شرکت‌هایی که از منابع مالی خارجی استفاده نمی‌کنند، (۲) شرکت‌هایی که فقط از امور مالی غیررسمی استفاده می‌کنند، (۳) شرکت‌هایی که فقط از امور مالی رسمی استفاده می‌کنند و (۴) شرکت‌هایی که از هر دو حالت رسمی و غیررسمی استفاده می‌کنند. امور مالی غیررسمی یک آزمون تجربی بر روی مشاغل کوچک ویتنامی نشان می‌دهد که عوامل هر سه بعد در درک تصمیمات تأمین مالی مشاغل کوچک مهم هستند.

لین و همکاران (۲۰۲۱)، در مطالعه‌ای با عنوان سیاست‌های پولی هدفمند و محدودیت‌های مالی کسب و کارهای کوچک کشور چین، اظهار داشتند که کسب و کارهای کوچک با نیازهای مالی بزرگ‌تر به‌طور قابل توجهی از سیاست تسهیل هدفمند سود می‌برند و کاهش بیشتری را در محدودیت‌های مالی خود تجربه می‌کنند. علاوه بر این، اثر سیاست تسهیل هدفمند در مشاغل کوچک دولتی بیشتر از شرکت‌های تحت کنترل خصوصی است. این نتایج شامل معیارهای جایگزین محدودیت‌های تأمین مالی نیز می‌شوند.

موروزکو و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی تحت عنوان، مدل‌سازی فرآیند تأمین مالی سازمان‌های کوچک با مدل‌سازی فرآیند تأمین مالی یک سازمان به کسب و کارها امکان می‌دهند تا گزینه‌های مختلف تأمین مالی را در نظر بگیرید تا بر مهم‌ترین عوامل در یک موقعیت خاص تأثیر بگذارند. همچنین بیان کردند که با کمک مدل‌سازی پیشنهادی فرآیند تأمین مالی یک سازمان کوچک، می‌توان تغییرات مثبت در عملکرد مالی را پیش‌بینی کرد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ رویکرد، تفسیری، برحسب هدف کاربردی، از لحاظ ماهیت، پیمایشی می‌باشد و با استفاده از روشی کیفی به گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده پرداخته شد. این پژوهش با اتخاذ رویکرد کیفی با استفاده از راهبرد نظریه داده بنیاد^۱ به دنبال شناسایی شاخص‌ها و معیارهای الگوی مطرح شده از دیدگاه خبرگان می‌باشد. ابزار مورد استفاده جهت گردآوری داده‌ها، پرسشنامه نیمه ساختاریافته‌ای می‌باشد که بین خبرگان پژوهش توزیع گردید. بدین ترتیب از روش نظام‌مند اشتراوس و کوربین^۲ (۱۹۹۰)، جهت رسم اولیه مدل استفاده شده است. در روش نظام‌مند اشتراوس و کوربین، نظریه در قالب یک مدل پارادایمی از پیش تعیین شده شکل می‌گیرد. رویکرد نظام‌مند «اشتراوس و کوربین» بر مراحل نظام‌مند تحلیل داده‌ها و کدگذاری مرحله‌ای «باز، محوری و انتخابی» تأکید دارد؛ به نحوی که در نهایت نتیجه در چارچوب یک مدل پارادایمی از پیش تعیین شده مرتب و ارائه می‌شود.

¹ Grounded Theory

² Strauss

جامعه آماری - جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان که همان صاحب نظران بانکی و اساتید دانشگاهی، می باشند. مدیران بانکی در سه سطح عملیاتی، میانی و عالی و همچنین این سه سطح از مدیران در کسب و کارهای فعال دانش بیان مستقر در پارک های علم و فناوری می باشند.

حجم نمونه - در بخش کیفی، جهت نمونه گیری از روش نمونه گیری نظریه محور^۱ استفاده می گردد. این رویکرد از نمونه گیری، زمانی مورد استفاده قرار می گیرد که پاسخ دهندگان، بر اساس هدف پژوهش و نه بر اساس رویکردهای آماری انتخاب گردند (French, 2008). تعیین حجم نمونه تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت. در واقع تا زمانی مصاحبه ها ادامه یافت که انجام مصاحبه های جدیدتر، منجر به ایجاد کد جدید و مرتبط نشد. جهت تعیین حجم نمونه از فرمول ارائه شده توسط لوانگا و لیمشو^۲ (۱۹۹۹) استفاده شده است. در نهایت تعداد ۱۸ مصاحبه صورت پذیرفت. جهت ارزیابی پایایی پروتکل مصاحبه، از روش درصد توافق بین دو کدگذار استفاده شده است. ابتدا از یک همکار پژوهشی که در زمینه کدگذاری داده های کیفی دارای تجربه است، درخواست گردید تا در پژوهش مشارکت کند؛ از بین نتایج مصاحبه، سه مصاحبه اول، مصاحبه میانی و مصاحبه نهایی انتخاب گردیده و به طور جداگانه توسط دو کدگذار (پژوهشگر و همکار پژوهشی) کدگذاری گردیدند. بدین ترتیب پایایی به دست آمده ۰.۸۶ درصد می باشد. همچنین جهت محاسبه روایی در پژوهش جاری نیز، روایی صوری و محتوای مورد استفاده قرار گرفت. در طی این بررسی سؤالات مصاحبه با استفاده از نظرات پنج ارزیاب ارزش گذاری شد تا در نهایت پنج معیار مورد ارزیابی در مورد سؤالات از دیدگاه این پنج تن با ضریب ۰.۷۹ مورد تأیید قرار گرفت.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات - جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات بخش اول یعنی بخش توصیف ویژگی های خبرگان از نرم افزار اس پی اس اس^۳ و آزمون های آماری میانگین و درصد استفاده شده است. در بخش کیفی نیز روش تحلیل داده داده ها کدگذاری داده ها در سه مرحله، باز، محوری و انتخابی صورت پذیرفته است. در این روش کدها در هر مرحله خلاصه تر و دسته بندی می شوند. عمل کدگذاری داده ها در نرم افزار اطلس تی آی در بخش کیفی صورت پذیرفته است.

۴. یافته های پژوهش

جدول ۱. ویژگی های جمعیت شناختی مصاحبه شوندهگان

سن	فراوانی	جنسیت	فراوانی	سابقه کار (سال)	فراوانی
۲۵-۳۵	۵	زن	۳۶٪	۵-۱۰	۵
۳۵-۴۵	۹	مرد	۶۴٪	۱۰-۲۰	۹
۴۵ و بیشتر	۴			۲۰ و بیشتر	۴

کدگذاری داده ها - کدگذاری در این پژوهش با استفاده از روش سه مرحله ای کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت پذیرفته است. کدگذاری باز داده ها به عنوان اولین مرحله در کدگذاری شناخته می شود که بر مبنای آن به صورت کدهای اولیه و مفاهیم کلیدی برای پدیده اصلی، پیشران ها، پیامدها، عوامل زمینه ای و عوامل مداخله گر استخراج شدند. در کدگذاری محوری که مرحله دوم در فرآیند کدگذاری می باشد، هدف از کدگذاری برقراری رابطه بین طبقه های تولید شده در مرحله کدگذاری باز است. این عمل بر اساس مدل پارادایمی انجام می شود و به نظریه پرداز کمک می کند تا فرآیند نظریه را به سهولت انجام دهد. اساس فرآیند کدگذاری محوری بر بسط و گسترش یکی از طبقه ها قرار دارد (Amiri Sardari, et al. 2022). نتایج کدگذاری باز، محوری و انتخابی در جدول زیر ارائه گردیده است. در این بخش نتایج به دست آمده از کدهای اولیه در کدگذاری باز به صورت جدول زیر می باشد.

¹ Theoretical sampling

² Lwanga & Lemeshow

³ SPSS

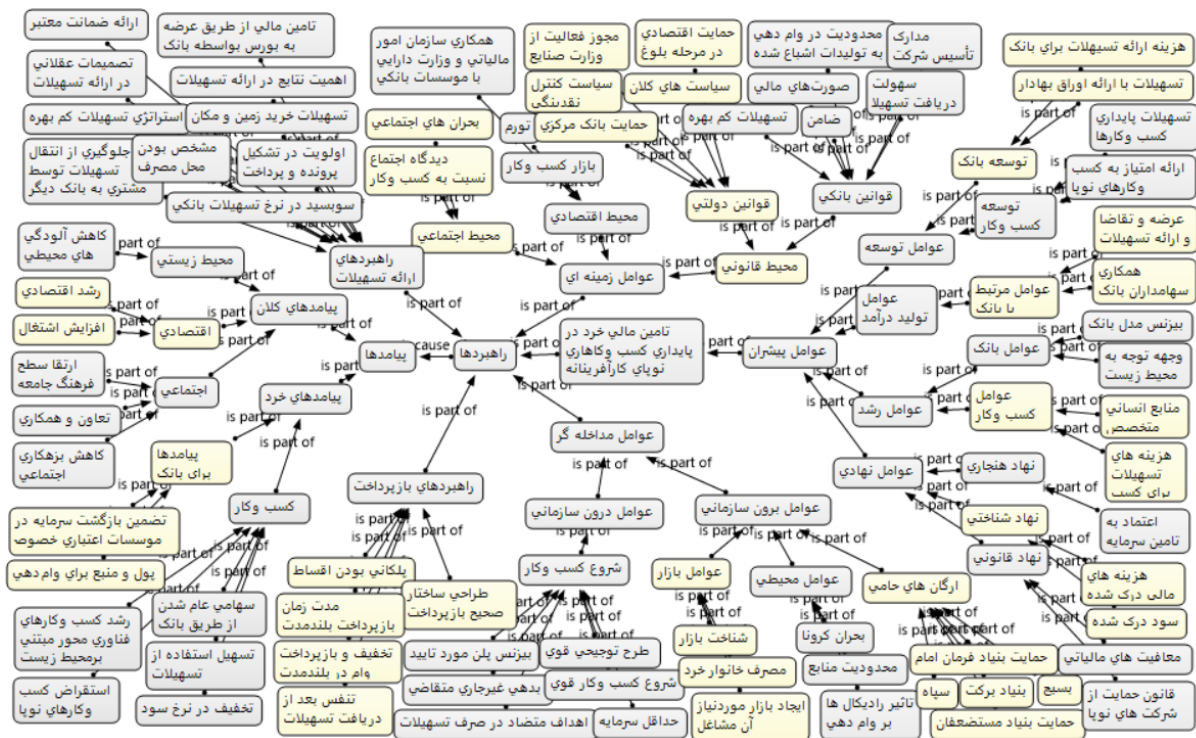
جدول ۲. کدگذاری داده‌ها

کدهای اصلی	کدهای فرعی	کدهای کلیدی	کدهای اولیه			
عوامل پیشران	عوامل توسعه	توسعه بانک	هزینه ارائه تسهیلات برای بانک تسهیلات با ارائه اوراق بهادار			
		توسعه کسب و کار	تسهیلات پایداری کسب و کارها ارائه امتیاز به کسب و کارهای نوپا			
		عوامل تولید درآمد	عوامل مرتبط با بانک	عرضه و تقاضا و ارائه تسهیلات همکاری سهامداران بانک		
			عوامل رشد	عوامل بانک	بیزنس مدل بانک توجه به محیط زیست	
	عوامل کسب و کار	منابع انسانی متخصص هزینه‌های تسهیلات برای کسب و کارها				
	عوامل نهادی	نهاد هنجاری	اعتماد به تأمین سرمایه			
		نهاد شناختی	هزینه‌های مالی درک شده سود درک شده			
		نهاد قانونی	هزینه‌های مالی درک شده			
	عوامل مداخله‌گر	عوامل برون‌سازمانی	ارگان‌های حامی	ارگان سپاه پاسداران حمایت بنیاد فرمان امام حمایت بنیاد مستضعفان حمایت ارگان بسیج بنیاد برکت		
				عوامل محیطی	بحران کرونا محدودیت منابع تأثیر رادیکال‌ها بر وام‌دهی	
					عوامل بازار	شناخت بازار مصرف خانوار خرد ایجاد بازار مورد نیاز آن مشاغل
						عوامل شروع کسب و کار
محیط اقتصادی		بازار کسب و کار تورم				
		عوامل محیط اقتصاد	همکاری سازمان امور مالیاتی و وزارت دارایی با مؤسسات بانکی			
محیط اجتماعی		فرهنگ و اجتماع	بحران‌های اجتماعی دیدگاه اجتماع نسبت به کسب و کار			
		محیط قانونی	قوانین دولتی	حمایت اقتصادی در مرحله بلوغ سیاست‌های کلان حمایت بانک مرکزی مجوز فعالیت از وزارت صنایع سیاست کنترل نقدینگی		
قوانین بانکی				سهولت دریافت تسهیلات تسهیلات کم‌بهره		

کدهای اصلی	کدهای فرعی	کدهای کلیدی	کدهای اولیه	
راهبردها	راهبردهای درونی	راهبردهای ارائه تسهیلات	صورت‌های مالی	
			محدودیت در وام‌دهی به تولیدات اشباع شده	
			مدارک تأسیس شرکت	
			ضامن	
			سوسپید در نرخ تسهیلات بانکی	
			اولویت در تشکیل پرونده و پرداخت	
			مشخص بودن محل مصرف	
			جلوگیری از انتقال تسهیلات توسط مشتری به بانک دیگر	
			اهمیت نتایج در ارائه تسهیلات	
			استراتژی تسهیلات کم‌بهره	
			تسهیلات خرید زمین و مکان	
			تصمیمات عقلانی در ارائه تسهیلات	
			ارائه ضمانت معتبر	
			تأمین مالی از طریق عرضه به بورس به واسطه بانک	
راهبردهای بازپرداخت			تخفیف بازپرداخت وام در بلندمدت	
			پلکانی بودن اقساط	
			مدت زمان بازپرداخت بلندمدت	
			طراحی ساختار صحیح بازپرداخت	
			تنفس بعد از دریافت تسهیلات	
پیامدهای کلان			کاهش آلودگی‌های محیطی	
			رشد اقتصادی	
			افزایش اشتغال	
			ارتقاء سطح فرهنگ جامعه	
			تعاون و همکاری	
			کاهش بزهکاری اجتماعی	
پیامدها	پیامدهای بانک		تضمین بازگشت سرمایه در مؤسسات اعتباری خصوصی	
			پول و منبع برای وام‌دهی	
			سهامی عام شدن از طریق بانک	
			تسهیل استفاده از تسهیلات	
	پیامدهای کسب‌وکار			تخفیف در نرخ سود
				رشد کسب‌وکارهای فناوری محور مبتنی بر محیط‌زیست
				استقراض کسب‌وکارهای نوپا

تشریح مدل: مدل تأمین مالی خرد در پایداری کسب‌وکارهای نوپای کارآفرینانه طبق الگوی اشتراوس و کوربین از شش بخش اصلی تشکیل می‌شود. در هر بخش سعی شده تا دسته‌بندی منطبق با پیشینه به صورت منظم صورت پذیرد. بدین ترتیب عوامل توسعه، تولید و درآمد، عوامل رشد و عوامل نهادی در بخش عوامل پیشران برگرفته از مدل تأمین مالی نهادی در هند از نادیا^۱ و همکاران (۲۰۱۲)، می‌باشد.

^۱ Nadiya



۵. بحث و نتیجه‌گیری

کسب و کارهای نوپای کارآفرینانه در اندازه‌های مختلف با نبوغ و نوآوری متفاوتی پا به عرصه اقتصاد هر جامعه‌ای می‌گذارند. این کسب و کارها کمک ویژه‌ای به اشتغال‌زایی و توسعه اقتصادی می‌کنند بنابراین وجود کسب و کارهای نوپا در جوامع امروزی لازم و ضروری است. از این رو کشورهای توسعه‌یافته سرمایه‌گذاری‌های کلانی را برای رشد و پایداری کسب و کارهای نوپای کارآفرینانه پیش‌بینی می‌کنند. اکثر این کسب و کارها توانایی رشد و توسعه در بلندمدت را دارند، اما نیازمند منابع مالی در سطح بنگاه خود که به اصلاح تأمین مالی خرد نامید می‌شود دارند. از این رو پژوهش حاضر باهدف طراحی مدل تأمین مالی خرد در پایداری کسب و کارهای نوپای کارآفرینانه در بانک صادرات صورت پذیرفته است. در ادامه به بحث در نتایج حاصل از بخش‌های قبلی پژوهش خواهد شد و همچنین در انتها به ارائه پیشنهادهایی در راستای تقویت و توسعه تأمین مالی خرد در پایداری کسب و کارهای نوپای کارآفرینانه خواهد شد.

مدل به دست آمده این پژوهش در شش بخش طراحی گردیده که منطبق با مدل اشتراوس و کوربین شامل عوامل پیش‌ران، مقوله اصلی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و در نهایت پیامدها می‌باشد. کد اصلی عوامل پیش‌ران شامل؛ چهار کد فرعی می‌باشد. در کد فرعی عوامل توسعه از کدهای عوامل پیش‌ران، به توسعه بانک که از طریق تأمین هزینه ارائه تسهیلات برای بانک و ارائه تسهیلات با ارائه اوراق بهادار به کسب و کارهای نوپا ارائه می‌گردد، پوشش داده می‌شود. این عوامل خود به طریقی عوامل علی در تشویق بانک‌ها به ارائه تسهیلات مالی خرد می‌باشند. در کد فرعی توسعه کسب و کارها دو عامل تسهیلات پایداری کسب و کارها و دریافت امتیاز به کسب و کارهای نوپا عواملی هستند که کسب و کارهای نوپا تشویق به استفاده از تأمین مالی خرد می‌شوند.

در کد فرعی عوامل تولید درآمد نیز کد محوری همکاری سهامداران بانک وجود دارد. همکاری سهامداران بانک در ارائه تسهیلات مالی خرد به کسب و کارهای نوپا می‌تواند علتی برای تشویق بانک‌ها به ارائه این نوع تسهیلات باشد. همچنین عرضه و تقاضا در دریافت تسهیلات عاملی برای تشویق مؤسسات مالی و اعتباری برای ارائه تسهیلات مالی خرد در سطح کسب و کارهای نوپا می‌باشد.

کد عامل رشد نیز شامل عوامل بانک و عوامل کسب و کار می‌باشد. در عوامل بانک وجود ارائه تسهیلات مالی خرد به کسب و کارهای نوپای کارآفرینانه در بیزنس مدل یا مدل کسب و کار بانک وجود داشته باشد، خود عاملی برای پیش‌بینی ارائه این نوع از خدمات بانکی می‌باشد. از طرفی از آنجایی که کسب و کارهای نوپای کارآفرینانه با خلاقیت و نوآوری با به عرصه اقتصاد می‌گذارند، با تمرکز بر حفظ پایداری خود از طریق توجه به مسئولیت اجتماعی و توجه به مسائل زیست‌محیطی فعالیت خود را آغاز می‌نمایند، بانک‌ها نیز می‌توانند با تمرکز بر حفاظت از محیط‌زیست، وجهه عمومی خود را در جامعه تقویت نمایند. عوامل کسب و کار نیز یکی دیگر از کدهای عوامل رشد می‌باشد. در این عامل منابع انسانی متخصص می‌توانند بر لزوم توجه و تأکید بر دانش کسب و کار خود توانایی کسب و کارهای نوپای موفق را تشخیص دهند. نیروهای متخصص از این طریق عاملی جهت پیرایش کردن این خدمت می‌باشند. هزینه‌های تسهیلات برای کسب و کارها نیز یک عامل اثرگذار و مهم است که در صورت پایین بودن نرخ آن از سوی موسسه مالی ارائه‌دهنده خدمات تأمین مالی خرد می‌تواند محرک کسب و کارها برای افزایش تقاضای خود و توسعه کسب و کارشان از طریق استفاده از این نوع تأمین مالی باشند.

نهاد هنجاری که بیشتر جامعه و فرهنگ آن را مدنظر قرار می‌دهد، در واقع میزان اهمیت کسب و کارهای کارآفرینانه در فرهنگ هر جامعه‌ای را نشان می‌دهند که به صورت مستقیم بر سیاست‌های تأمین مالی مؤسسات اعتباری اثرگذار است. عوامل زمینه‌ای یکی از کدهای اصلی است که مستقیماً بر انتخاب راهبرد تأمین مالی خرد در پایداری کسب و کارهای نوپای کارآفرینانه تأثیرگذار است. عوامل زمینه‌ای در سه دسته محیط قانونی، اقتصادی و اجتماعی تأثیر خود را نمودار می‌کنند. محیط قانونی به قوانین و مقرراتی که دولتها پیش‌بینی کنند تا در حمایت از کسب و کارهای نوپا قدم نهند و یا مانعی برای آن باشند از طریق ایجاد قوانین دست‌وپا گیر، اشاره دارد. محیط اقتصادی نیز محیطی است که کسب و کارها در آن به فعالیت می‌پردازند و به صورت یک سیستم باز در تعامل با محیط داده‌هایی را مبادله می‌کنند. بنابراین ضروری است تا محیط اقتصادی از ثبات نسبی برخوردار باشد تا کسب و کارها بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند و از تسهیلات مالی خرد استفاده کنند. هم‌اکنون با توجه به شرایط کنونی کشور، نرخ تورم بسیار بالا منجر به تعطیلی کسب و کارهای زیادی شده و روند شکل‌گیری کسب و کارهای نوپا را به شدت افزایش داده است. این نرخ کاهش در نهایت با اثر تصاعدی خود و افزایش بیکاری، کاهش تقاضا و رکود اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. از طرفی سازمان امور مالیاتی کشور نیز باید در زمینه توسعه کسب و کارهای نوپا همکاری‌های لازم را به عمل بیاورد، چراکه با وضعیت کنونی افزایش نرخ مالیات و یا عدم استفاده از معافیت‌های مالیاتی می‌تواند تأثیر مخربی بر آینده کشور داشته باشد.

همچنین در کد قوانین دولتی از کدهای فرعی عوامل زمینه‌ای نتایج پژوهش با نتایج پژوهش لین و همکاران (۲۰۲۰)، هم‌راستا می‌باشد. لین و همکاران اظهار داشتند که کسب و کارهای کوچک با نیازهای مالی بزرگ‌تر به طور قابل توجهی از سیاست تسهیل هدفمند سود می‌برند و کاهش بیشتری را در محدودیت‌های مالی خود تجربه می‌کنند.

از طرفی محیط اجتماعی نیز در صورت متشنج بودن باعث خروج استعدادها و سرمایه‌های مادی و فکری کشور می‌شود. روند ایجاد کسب و کارهای نوپا را مختل می‌کند و استعدادهای خلاق از کشور خارج می‌شوند. بنابراین رشد اجتماعی که بیشتر بر اساس سیاست‌گذاری‌ها و سبک مدیریت کشور می‌باشد تأثیر زیادی بر آینده کشور خواهد گذاشت. در این بخش در کد فرعی قوانین بانکی، نتایج این پژوهش با نتیجه تحقیق انجین و کانه (۲۰۲۱)، هم‌راستا می‌باشد.

راهبردها در این پژوهش که بیشتر بر راهبردهای درونی تأکید دارند در دو دسته راهبردهای ارائه تسهیلات و راهبردهای بازپرداخت تسهیلات تقسیم شده‌اند. در راهبردهای ارائه تسهیلات به نحوه ارائه تسهیلات و ساده‌سازی فرآیند آن اشاره دارد تا بتوان کسب و کارهای کارآفرینانه را به سمت استفاده از آن جذب نماید. در بخش راهبردهای بازپرداخت نیز بر تسهیل سازی فرآیند بازپرداخت تسهیلات توسط کسب و کارها اشاره دارد تا بتوانند با دریافت تسهیلات پس از یک دوره تنفس و رسیدن به نقطه‌ای نزدیک به نقطه سر به سر به بازپرداخت بپردازند.

عوامل مداخله‌گر نیز به دو دسته عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تقسیم شده‌اند. در یک بخش از عوامل برون‌سازمانی به نقش ارگان‌های حامی همچون بنیاد برکت و فرمان امام و سپاه پاسداران و ... اشاره دارد و اینکه چگونه می‌توانند بر رشد توسعه کسب و کارهای نوپا از طریق حمایت از افراد محلی بنیان‌گذار این کسب و کارها، بسیج منابع و امکانات، آموزش و ... اثرگذار باشند. در بخش دیگر بر عوامل محیطی و بازار اشاره شده است. در عوامل محیطی بحران‌های پندمیک همچون کووید-۱۹ که با اثرات

بی شمار بر اقتصاد و اجتماع روند رشد کسب‌وکارهای نوپا را مختل نمود بنابراین مدیریت این بحران‌ها اهمیت زیادی در محیط کسب‌وکار کشور دارد. در عوامل درون‌سازمانی عامل شروع کسب‌وکار وجود دارد. این عامل از پنج گویه مرتبط با شروع ایده تا راه‌اندازی کسب‌وکار می‌باشد. فرآیندی که میزان نیاز به منابع مالی و .. را تعیین می‌کند.

در نهایت پیامدهای ناشی از تدوین راهبردهای تأمین مالی خرد در پایداری کسب‌وکارهای نوپای کارآفرینانه که در دو دسته پیامدهای خرد و کلان دسته‌بندی شده‌اند. پیامدهای کلان اشاره به آثار زیست‌محیطی و کاهش آلودگی محیطی که کسب‌وکارهای نوپای پایدار برجای می‌گذارند اشاره دارد. آثار اقتصادی نیز بر رشد اشغال و اقتصادی که می‌توانند داشته باشند سخن می‌راند. همچنین آثار اجتماعی که در بخش‌های قبل نیز به آنان اشاره شد. پیامدهای خرد نیز در دو دسته بر پیامدهایی برای کسب‌وکار و پیامدهایی برای خود بانک به همراه دارد اشاره می‌کند. با استفاده از تأمین مالی خرد است که کشورهای صنعتی توانسته‌اند کسب‌وکارهای نوپای کارآفرینانه را به کسب‌وکارهای یونیکورن یا کسب‌وکارهایی با ارزش بیش از یک میلیون دلار برسانند. بنابراین رشد کسب‌وکارهای در گرو تأمین مالی آن‌ها می‌باشد. از طریق بانک‌ها و مؤسسات اعتباری نیز از رشد و توسعه‌ای که این کسب‌وکارها برای اقتصاد به همراه می‌آورند به صورت مستقیم و غیرمستقیم برخوردار خواهند شد. در نهایت باید گفت در این بخش در کد پیامدها برای بانک، نتایج پژوهش با نتایج تحقیق موزوکو و همکاران (۲۰۱۸)، هم‌راستا می‌باشند. این پژوهشگران در نتایج خود به وجود تغییرات مثبت در عملکرد مالی توسط تأمین مالی خرد کسب‌وکارهای کوچک دست یافتند.

۶. پیشنهادات

- در راستای توسعه اقتصادی و ملی کشور با توجه به اهمیت کسب‌وکارهای نوپای کارآفرینانه و به‌ویژه پایداری کسب‌وکارهای نوپا پیشنهاد می‌شود سامانه‌ای برای ارائه درخواست کسب‌وکارهای نوپا و تسهیل سازی فرایند تأمین مالی آنان راه‌اندازی شود و در این سامانه اطلاعات اعضای آنان، به‌درستی ثبت شود تا نیازی به تأمین وثیقه برای تسهیلات دریافتی نداشته باشند.
- پیشنهاد می‌شود در بخش دولت، سیاست‌گذاری‌ها اصلاح و بهبود پیدا کند و محیط کسب‌وکار برای رشد کسب‌وکارها مستعدتر شود.
- بودجه‌ریزی‌های کشور بیشتر در حوزه دانش‌بنیان‌ها هستند اما به کسب‌وکارهای نوپای کارآفرینانه توجه خاصی نمی‌شود. پیشنهاد می‌شود چند ردیف بودجه برای آنان مجزا تعریف گردد.
- پیشنهاد می‌شود در بانک صادرات بخشی مختص تأمین مالی خرد ارائه شود که تنها به کسب‌وکارهای نوپا ارائه خدمت کند.
- پیشنهاد می‌شود فرآیند بروکراسی اداری زائد حذف و جای خود را به حداقل‌ترین فرآیند اداری تأمین مالی در بانک‌ها داده شود.
- ایجاد بستری برای رصد فعالیت کسب‌وکارها جهت تأمین مالی ساده‌تر این کسب‌وکارها، به‌نحوی که میزان فروش و عایدی درآمدها در سامانه‌ها رصد شود و تمام امورات مالی آن‌ها در آن ثبت شود.
- اختصاص بخشی در تالار بورس تهران به کسب‌وکارها نوپا جهت عرضه به عموم با حمایت بانک صادرات.

۷. محدودیت‌ها

مدل طراحی شده در نتیجه پژوهش حاضر بر اساس نظر تعدادی خبره صورت پذیرفته که از تجربه و علم آنان برخوردار است. بهتر است تا در پژوهشی دیگر به رصد داده‌های حاصل از فعالیت کسب‌وکارهای نوپا و روش داده‌کاوی نیز این موضوع مورد بررسی قرار گیرد.

References

- Abbas, J., Mahmood, S., Ali, H., Ali Raza, M., Ali, G., Aman, J., & Nurunnabi, M. (2019). The effects of corporate social responsibility practices and environmental factors through a moderating role of social media marketing on sustainable performance of business firms. *Sustainability*, 11(12), 3434. DOI:10.3390/su11123434.
- Abdoli Mohamadabadi, T., Ahmadpour Daryani, M., YadollahiFarsi, J., & Sakhdari, K. (2021). The investigation and analysis of strategic orientations in the developing of dynamic capabilities in new ventures (case study: IT business). *Commercial Strategies*, 17(16), 46-29. Doi: 10.22070/cs.2021.14083.1071 [in Persian].
- Abdoli Mohamadabadi, T., Ahmadpour Daryani, M., Karimi, A., & Amiri Sardari, Z. (2023). A Conceptual Model for Antecedents of Dynamic Capability Development in New Ventures (Case Study: IT Business). *Iranian Journal of Management Studies*.
- Amiri Sardai, Z., Yaghoubi, N. M., & Tabavar, A. A. (2022). The effect of content marketing on Iranian handmade carpets demand's with using the Data-grounded technique. *Consumer Behavior Studies Journal*, 9 (1), 158-181. DOI: [10.34785/J018.2022.417](https://doi.org/10.34785/J018.2022.417) [in Persian].
- Amiri sardari Z, shihaki tash M, roshan A. (2020). Investigate and Classify the Most Important Effective Components of P7 Marketing Mix on Demand for handmade Carpets (Case Study of Sistan Handmade Carpets). *Goljaam*, 15 (36), 63-84 URL: <http://goljaam.icsa.ir/article-1-550-fa.html> [in Persian].
- Angelova, M., Pastarmadzhieva, D., Georgiev, P., & Dimitrova, G. (2018). An innovative model for business financing in wine production. *Journal of International Studies*, 11(4). 106-119. doi:10.14254/2071-8330.2018/11-4/8.
- Banerjee, A., Duflo, E., Glennerster, R., & Kinnan, C. (2015). The miracle of microfinance? Evidence from a randomized evaluation. *American economic journal: Applied economics*, 7(1), 22-53. DOI: 10.1257/app.20130533.
- Begenau, J., & Salomao, J. (2019). Firm financing over the business cycle. *The Review of Financial Studies*, 32(4), 1235-1274. DOI:10.1093/rfs/hhy099.
- Ben Abdelkader, I., & Mansouri, F. (2019). Performance of microfinance institutions in the MENA region :a comparative analysis. *International Journal of Social Economics*, 46(1), 47-65. DOI:10.1108/IJSE-06-2017-0242.
- Blank, S. (2013). Why the lean start-up changes everything. *Harvard business review*, 91(5), 63-72.
- Branco, M. C., & Rodrigues, L. L. (2006). Corporate social responsibility and resource-based perspectives. *Journal of business Ethics*, 69(2), 111-132. DOI:10.1007/s10551-006-9071-z.
- Chikwira, C., Vengesai, E., & Mandude, P. (2022). The impact of microfinance institutions on poverty alleviation. *Journal of Risk and Financial Management*, 15(9), 393. DOI: [10.3390/jrfm15090393](https://doi.org/10.3390/jrfm15090393).
- Eshghi, Kamran. Mohammadmazkemi, Reza. Aghazadeh, Hashem. Hedayatnia, Apena (2013). "Evaluating Sport Sponsorship Model among Soccer Fans in Iran". *Canadian Journal of Business and Management Research*. 2(2), 37-51. DOI:10.5430/bmr.v2n2p37.
- Famiyeh, S. (2017). Corporate social responsibility and firm's performance: empirical evidence. *Social Responsibility Journal*. 13(2), 1-33. DOI.org/10.1108/SRJ-04-2016-0049.
- Famiyeh, S. (2017). Corporate social responsibility and firm's performance: empirical evidence. *Social Responsibility Journal*, 13(2), 390-406. DOI: [10.1108/SRJ-04-2016-0049](https://doi.org/10.1108/SRJ-04-2016-0049).
- French, M. L. (2008). Improving sustainability through effective reuse of product returns: minimizing waste in a batch blending process environment. *Journal of Cleaner Production*, 16(15), 1679-1687. DOI: 10.1016/j.jclepro.2008.01.006.
- Gbandi, E. C., & Amisah, G. (2014). Financing options for small and medium enterprises (SMEs) in Nigeria. *European Scientific Journal January*. 10(1). 327-340. <https://ssrn.com/abstract=3868198>.
- Gholizadeh, salar. Mohammadmazkemi, Reza. (2022). International Entrepreneurial Opportunity: A systematic review, meta-synthesis, and future research agenda, *Journal of International Entrepreneurship*, 20(1). DOI: 10.1007/s10843-021-00306-7.
- Jamali, B., MohammadKazemi, R., Farsi, J., & Dehkordi, A. (2018). Theories of opportunity creation and effective entrepreneurial actions in opportunity creation context. *Decision Science Letters*, 7(4), 443-454. DOI: [10.5267/j.dsl.2018.1.003](https://doi.org/10.5267/j.dsl.2018.1.003).

- Lin, C., He, L., & Yang, G. (2021). Targeted monetary policy and financing constraints of Chinese small businesses. *Small Business Economics*, 57, 2107-2124. DOI: 10.1007/s11187-020-00365-5.
- Manzoor, F., Wei, L., & Sahito, N. (2021). The role of SMEs in rural development: Access of SMEs to finance as a mediator. *Plos one*, 16(3), e0247598. DOI: [10.1371/journal.pone.0247598](https://doi.org/10.1371/journal.pone.0247598).
- Mohammadkazemi, R., Ebrahimi, B. P., & Shiri, M. (2020). Mobile marketing influence on football fan behaviour: the case of FC Persepolis. *International Journal of Sport Management and Marketing*, 20(5-6), 405-427. DOI: [10.1504/IJSM.2020.115122](https://doi.org/10.1504/IJSM.2020.115122).
- Mohammadkazemi, R., Kardar, S., & Pouriz, M. (2022). Identification and ranking of the marketing mix of services in the banking industry focusing on financial services & Investment using DEMATEL. *Journal of Investment Knowledge*, 11(44), 203-218 [in Persian].
- Morozko, N., Morozko, N., & Didenko, V. (2018). Modeling the process of financing small organizations. *Journal of Reviews on Global Economics*, 7, 774-783.
- Nadiya, M., Olivares-Polanco, F., & Ramanan, T. R. (2012). Dangers in mismanaging the factors affecting the operational self-sustainability (OSS) of Indian microfinance institutions (MFIs)-an exploration into Indian microfinance crisis. *Asian Economic and Financial Review*, 2(3), 448-462.
- Newman, A., Schwarz, S., & Ahlstrom, D. (2017). Microfinance and entrepreneurship: An introduction. *International Small Business Journal*, 35(7), 787-792. [10.1177/026624261771](https://doi.org/10.1177/026624261771).
- Newman, A., Ucbasaran, D., Zhu, F. E. I., & Hirst, G. (2014). Psychological capital: A review and synthesis. *Journal of organizational behavior*, 35(S1), S120-S138.
- Nguyen, B., & Canh, N. P. (2021). Formal and informal financing decisions of small businesses. *Small Business Economics*, 57(3), 1545-1567. DOI: 10.1007/s11187-020-00361-9.
- Sayfullaevich, A. Z. (2016). On current issues modeling and improvement process of formation and financing of small business and entrepreneurship in the Republic of Uzbekistan. *International Journal of Innovative Technologies in Economy*, 2 (4), 7-9.
- Shahriar, A. Z. M., Schwarz, S., & Newman, A. (2016). Profit orientation of microfinance institutions and provision of financial capital to business start-ups. *International Small Business Journal*, 34(4), 532-552. DOI: [10.1177/02662426155704](https://doi.org/10.1177/02662426155704).
- Sussan, M. U., & Obamuyi, T. (2018). The impact of microfinance bank on entrepreneurship development in Nigeria. *Journal of Business and Economic Development*, 3(2), 51-61. DOI: 10.11648/j.jbed.20180302.13.
- Wang, J. (2017) Research on Financing and Decision from Micro Enterprises in China —Based on Internet Financial Model Perspective. *Open Journal of Business and Management*, 5, 372-387. doi: 10.4236/ojbm.2017.52032.
- Skala, A., & Skala, A. (2019). The startup as a result of innovative entrepreneurship. *Digital Startups in Transition Economies: Challenges for Management, Entrepreneurship and Education*, 1-40. DOI: 10.1007/978-3-030-01500-8_1.
- Weber, M., Beutter, M., Weking, J., Böhm, M., & Krčmar, H. (2022). AI Startup Business Models: Key Characteristics and Directions for Entrepreneurship Research. *Business & Information Systems Engineering*, 64(1), 91-109.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications, In.
- Lwanga, S. K., & Lemeshow, S. (1999). Sample size determination in health studies. 1991. *England: World Health Organization*.